**١٠١ - یوم القیامه و جحیم و صراط و جنت و ملکوت و حیات ابدیه و صور**

و نیز از حضرت نقطه در بیان است قوله الاعلی کل وجود خلق شده اند از برای یوم ظهور الله که ان در عرف بیان بقیامت ذکر میشود و آن از اول ظهور شجره حقیقت است تا غروب آن مثلا در نقطه فرقان بیست و سه سال بود .

و از حضرت بهاءالله در ایقان است قوله الاعلی مقصود از صور صور محمدی است که بر همه ممکنات دمیده شد و قیامت قیام آنحضرت بود بر امر الهی و غافلین که در قبور اجساد مرده بودند همه را بخلعت جدیده ایمانیه مخلع فرمود و بحیات تازه بدیعه زنده نمود ... سبحان الله چقدر آنقوم از سبل حق دور بودند با اینکه قیامت بقیام آنحضرت قائم بود و علامات و انوار او همه ارض را احاطه نموده بود معذلک سخریه مینمودند ...قیامت که قیام نفس الله است بمظهر کلیه خود و این است معنی قیامت که در کل کتب مسطور و مذکور است و جمیع بشارت داده شده اند بآن یوم ...آیا روایت مشهور را نشنیده اند که میفرماید اذا قام القائم قامت القیامة (و همچنین ائمه هدی ) و انوار لا تطفی هل ینظرون الا ان یاتیهم الله فی ظلل من الغمام را که مسلما از امورات محدثه در قیامت میدانند بحضرت قائم و ظهور او تفسیر نموده اند پس ای برادر معنی قیامت را ادراک نما و گوش را از حرفهای این مردم مردود پاک فرما اگر قدری بعوالم انقطاع قدم گذاری شهادت میدهید که یومی اعظم ازین یوم و قیامتی اکبر ازین قیامت متصور نیست ... با اینکه قیامت بقیام آنحضرت قائم بود و علامات و انوار او همه ارض را احاطه نموده بود معذلک سخریه مینمودند و معتکف بودند بتماثیلی که علمای عصر بافکار عاطل باطل جسته اند .

و از آنحضرت در لوحی است قوله الاعلی و لکن مقصود الهی از حشر و نشر و جنت و نار و امثال این اذکار که در الواح الهیه مذکور است مخصوص است بحین ظهور مثلا ملاحظه فرما که در حین ظهور لسان الله بکلمه تکلم میفرماید و ازین کلمه مخرجه من فمه جنت و نار وحشر و نشر و صراط و کل ما انت سألت و ما لا سألت ظاهر و هویدا میگردد هر نفسی که بکلمه بلی موقن شد از صراط گذشت و به جنت رضا فائز و همچنین محشور شد در زمره مقربین و مصطفین و عند الله از اهل جنت و علیین و اثبات مذکور و هر نفسی که از کلمة الله معرض شد در نار و از اهل نفی و سجین و در ظل مشرکین محشور ... باری جنت و نار در حیات ظاهره اقبال و اعراض بوده و خواهد بود ... و اذا نشهد بان الصراط قد رقع بالحق و ان المیزان قد نصب بالعدل و ان الظهورات حشرت و البروزات بعثت و الناقور نقرت و السور نفخ و النار اشتعلت و الجنة قد ازلفت و المنادی قد نادی و السموات قد طویت و الارض انبسطت و نسمة الله هبت و روح الله ارسلت و الحوریات استزینت والغلمان استجملت و القصور حققت و الغرف رصعت و اهل القبور قد بعثت و الا عالی سفلت و الادانی رفعت و الشمس اظلمت و القمر خسف و النجوم سقطت و المیاه سبلت و القطوف دنیت و الفواکه جنیت و الایات نزلت و اعمال المغرضین قد محت و افعال المقبلین قد ثبتت واللوح المحفوظ قد ظهر بالحق و لوح المسطور قد نطق بالفضل و مقصود الابداع ثم محبوب الاختراع ثم معبود من فی الارض و السماء قد ظهر علی هیکل الغلام اذا ینطق السن کلشیئی بان تبارک ابداع المبدعین و دیگر آنکه ملاحظه فرمائید بتنزیل همین یک آیه منزله از سماء مشیت چگونه حساب خلایق کشید که هر کس اقرار نمود و اقبال جست حسنات او بر سیئات زیادتی نمود و جمیع خطایای او معفو شد و مغفور آمد کذلک تصدق فی شانه بانه سریع الحساب و کذلک یبدل الله السیئات بالحسنات .

و در لوحی دیگر است قل هذه الکلمات لحوریات ما طمثهن احد فی الملک و هن باکرات فی غرف العز و قد اظهرنا هن عن خلف الف الف حجاب لعل انتم عن جمالهن تستفیضون اقل من ان یحصی و من نغماتهن علی افنان سدرة تلک الکلمات لتنجذبون .

و در لوحی دیگر قوله الاحلی هل القیامة قامت بل القیوم بملکوت الایات ...قال این الجنة و النار قل الاولی لقائی و الاخری نفسک یا ایها المشرک المرتاب ...هل سقطت النجوم قل ای اذ کان القیوم فی ارض السر فاعتبروا یا اولی الانظار .

و قوله الاعز قد اشرقت الشمس و انشق القمر و سقطت النجوم ان انتم تشعرون .

و در کلمات مکنونه قوله الابهی اصل النار هی الحجاد آیات الله و المجادلة بما ینزل من عنده و الانکار و الاستکبار علیه .

 و در لوح خطاب بپارسیان قوله الاجمل بهشت و دوزخ را خرد و دانائی تصدیق نموده و مینماید چه که وجود این دو از برای اندو لازم در مقام اول و رتبه اولی بهشت رضای حق است هر نفسی برضای او فائز شد او از اهل جنت علیا مذکور و محسوب و بعد از عروج روح فائز میشود بآنچه که آمده و خامه از ذکرش عاجز است صراط و میزان و همچنین جنت و نار و آنچه در کتب الهی مذکور و مسطور است نزد اصحاب بصر و مردمان منظر اکبر معلوم و مشهود است حین ظهور و بروز انوار خورشید معانی کل در یک مقام واقف و حق نطق میفرماید بآنچه اراده میفرماید هر یک از مردمان که بشنیدن آن فائز شد و قبول نمود او از اهل جنت مذکور و همچنین از صراط و میزان و آنچه در روز رستخیز ذکر نموده اند گذشته و رسیده و یوم ظهور یوم رستخیز اکبر است امید است که آنجناب از رحیق وحی الهی و سلسبیل عنایت ربانی بمقام مکاشفه و شهود فائز شوند و آنچه ذکر نموده اند ظاهرا و باطنا مشاهده نمایند .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز اما مسأله جنت که حضرت محمد بیان نموده آن حقایق روحانیه است که بصور و قالب جسمانی بیان شده زیرا آنوقت استعداد ادراک معانی روحانی نداشتند مانند حضرت مسیح که خطاب میفرماید آن انگور را دیگر نخواهم خورد مگر در ملکوت پدر حال مقصود واضح است که حضرت مسیح مرادش این انگور نبوده .

و در مفاوضات است قوله العزیز و اما حیات دو حیات است حیات جسم و حیات روح اما حیات جسم عبارت از حیات جسمانی است اما حیات روح عبارت از هستی ملکوتی است و هستی ملکوتی استفاضه از روح الهی است و زنده شدن از نفحه روح القدس ...از حیات ابدیه مقصد استفاده از فیض روح القدس است مثل استفاضه گل از فصل و نسیم و نفحه نوبهار ملاحظه کنید که این گل اول حیات داشته است اما حیات جمادی لکن از قدوم موسم ربیع و فیضان ابر بهاری و حرارت آفتاب نورانی حیات دیگر یافته است و در نهایت طراوت و لطافت و معطری است حیات اول این گل بالنسبه بحیات ثانیه ممات است مقصد این است که حیات ملکوت حیات روح است و حیات ابدی است و منزه از زمان و مکان است مثل روح انسان که مکان ندارد ... عالم ملکوت مقدس است از هر چیزی که بچشم دیده میشود . و یا بحواس سائره مثل سمع و شم و ذوق ولمس احساس گردد ...بهمچنین ملکوت مکان ندارد اما تعلق بانسان دارد اما داخل شدن در ملکوت بمحبة الله است بانقطاع است بتقدیس و تنزیه است بصدق و صفا است و استقامت و وفا است بجانفشانی است .

و از حضرت نقطه در رساله بیان سلوک الی الله است قوله الاعلی: فان الدنیا و الاخرة حالتان ان کان توجهک بالله تعالی فانت فی الجنة و ان کان نظرک الی نفسک فانت فی النار و فی الدنیا .